

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه شخصیت حقوقی در فقه
از نظر حقوق و تکالیف

محقق و نویسنده: زهرا مرادی جوفان

انتشارات پلیکان



سرلیسه	: مرادی، جوقان، زهرا، ۱۳۹۲ -
عنوان نام پدیدآور	: جایگاه شخصیت حقوقی در فقه او نظر حقوق و تکالیف/ محقق و نویسنده زهرا مرادی جوقان.
موضوعات نشر	: تهران: پلیکان، ۱۳۹۱.
شخصیات ناشری	: ۲۰۸ ص: ۲۴/۵ × ۲۱/۵ متر.
شماره	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۵-۳۵-۸: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۵-۳۵-۸
ردیف شخصیت فهرست نویسی	: آویا
پنداشت	: کتبنامه: ص: ۲۰۳.
موضوع	: شخصیت حقوقی (فقه)
موضوع	: شخصیت حقوقی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ م ۳/۹/۹۸ RP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۹
شماره کتابشناسی نشر	: ۲۸۷-۱۱۰

جایگاه شخصیت حقوقی در فقه

از نظر حقوق و تکالیف

نویسنده: زهرا مرادی جوقان

صفحه‌آرایی: پلیکان / طراحی جلد: علی اعرابی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲ / تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: پلیکان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۵-۳۵-۸

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تهران: خ آزادی، خ خوش شمالی، خ نیایش غربی، پلاک ۲۸، همکف غربی

تلفن: ۶۶۴۲۳۶۳۳ - ۰۹۱۲۵۳۳۳۸۰۰

پیشگفتار

آنچه که سبب ایجاد اثر پیش رو گردید، زاینده‌ای است از وجود واژه‌ای قدیمی که در خصوص تپلور آن در کالبد جدیدی به نام شخص حقوقی، در بین متقدمین و متاخرین، چه در غرب و چه در شرق، مطالب بسیاری بیان شده که این امر خود بارقه‌ای شد تا نگارنده با تفحص در منابع موجود و تطبیق آن، اثر پیش روی را فراهم آورد؛ تا که شاید روزی، جایی، موثر افتد...

در ادامه از خوانندگان عزیز و عزیزین تقاضا دارم تا فرودهای کار را به فراز نکته‌سنجی خود ببخشایند و بر بدم منت گذاشته و با اشاره به نقایص اثر بگذارند خرد راه خود را به حکمت آسوده‌تر ببیماید.

بی‌درنگ مایلم تا از راهنمایی‌های بی‌درغ استاد بزرگوارم جناب آقای محمد اویسی‌کیا، که علیرغم تمامی دغدغه‌های موجود زحمات بازخوانی اثر را به عهده گرفتند، از دوست و همراه گرانمایه‌ام سر کار خانم مهندس حبیبه خدابخش؛ و جناب آقای مهندس علی اعرابی که مقدمات نشر این اثر را فراهم ساختند کمال تشکر را داشته باشم و قدردانی نمایم.

و آخر کلام تاکید می‌نمایم که این اثر تحفه‌ای است، پیشکش به قامت نازنین پدر و مادر مهربانم...

با احترام

زهرا مرادی

بهارنود و یک

فهرست مطالب:

مقدمه	۱۳
فصل اول: کلیات	۲۰
گفتار اول: شناخت مفهوم شخصیت حقوقی	۲۰
۱-۱-۱) ریشه‌شناسی واژه شخصیت	۲۰
الف) لغوی	۲۰
ب) اصطلاحی	۲۱
ج) مفهومی	۲۱
۱-۲-۱) حقوق شخصیت	۲۲
۱-۳-۱) ویژگی‌های شخصیت	۲۳
۱-۴-۱) رابطه شخصیت حقیقی با شخصیت حقوقی	۲۴
گفتار دوم: انواع شخص	۲۷
۲-۱-۱) منشاء و دلیل پیدایش شخص حقوقی	۲۸
۲-۲-۱) شخص حقوقی در نظام حقوقی اسلام	۳۰
الف) سابقه و بررسی تئوری شخصیت حقوقی در حقوق اسلام	۳۱

- ب) دلایل و نحوه اثبات شخصیت حقوقی در حقوق اسلام ۳۷
- ۱-۳-۲) شخص حقوقی در نظام حقوقی یونان و رم قدیم ۴۴
- الف) سابقه و بررسی تئوری شخصیت حقوقی در یونان و رم قدیم ۴۴
- ب) نمونه‌های بارز شخصیت حقوقی در یونان و رم قدیم ۴۵
- ۱-۴-۲) گونه‌های شخصیت حقوقی ۴۹
- الف) شخصیت حقوقی حقوق خصوصی ۴۹
- ب) شخصیت حقوقی حقوق عمومی ۵۳
- گفتار سوم: تئوری ذمه در فقه اسلامی ۵۵
- ۱-۱-۳) واژه ذمه در لغت ۵۶
- ۱-۲-۳) تعریف ذمه در فقه اسلامی ۵۷
- ۱-۳-۳) بررسی وجوه تشابه و افتراق نظریه ذمه و تئوری کلاسیک دارایی ۶۰
- گفتار چهارم: تئوری‌های موجود در خصوص شخصیت حقوقی ۶۲
- ۱-۱-۴) تئوری واقعی بودن شخص حقوقی ۶۳
- ۱-۲-۴) تئوری فرضی بودن شخص حقوقی ۷۳
- ۱-۳-۴) تئوری اعتباری بودن شخص حقوقی ۷۷
- ۱-۴-۴) تئوری تخصیص اموال ۷۸

۱-۵-۴) تئوری برگزیده در حقوق ایران ۷۹

فصل دوم: ویژگی‌ها حقوق و تکالیف شخص حقوقی ۸۲

گفتار اول: عناصر تشکیل‌دهنده شخصیت حقوقی ۸۲

۲-۱-۱) نام شخص حقوقی ۸۳

۲-۲-۱) آقامتگاه شخص حقوقی ۸۵

۲-۳-۱) تابیت شخص حقوقی ۹۲

۲-۴-۱) اموال و دارایی شخص حقوقی ۱۰۴

گفتار دوم: حقوق و تکالیف اشخاص حقوقی ۱۰۷

۲-۱-۲) بررسی اهلیت در رابطه با اشخاص ۱۰۷

الف) انواع اهلیت شخصیت حقوقی ۱۰۸

ب) تفاوت اهلیت اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۱۳

۲-۲-۲) اصول و قواعد ناظر بر اهلیت اشخاص حقوقی ۱۱۴

الف) اصل وحدت احکام شخص حقیقی و حقوقی ۱۱۴

ب) قاعده استثنایی بودن عدم اهلیت شخص حقوقی ۱۱۵

۲-۳-۲) محدودیت‌های اشخاص حقوقی ۱۱۷

الف) عدم شمول ممیزات خاص انسانی ۱۱۷

- (ب) عدم شمول موارد خارج از اصل ۱۱۹
- گفتار سوم: مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ۱۲۱
- ۲-۱-۳) تعریف مسئولیت مدنی ۱۲۱
- ۲-۲-۱) مبای مسئولیت مدنی ۱۲۳
- ۲-۳-۳) شرایط تحقق مسئولیت مدنی ۱۲۴
- ۲-۴-۳) حدود و ضغور مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی ۱۲۴
- گفتار چهارم: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ۱۲۶
- ۲-۱-۴) نظریه عدم مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی ۱۲۶
- ۲-۲-۴) نظریه مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی ۱۲۹
- ۲-۳-۴) مصداقی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی (دولت-کشور) ۱۳۲
- ۲-۴-۴) مصداقی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق خصوصی (شرکت‌ها) ۱۳۳
- فصل سوم: بررسی مصادیق شخصیت حقوقی ۱۴۰
- گفتار اول: منشاء پیدایش شخصیت حقوقی و سابقه آن در اسلام ۱۴۰

- ۱۴۲..... ۱-۱-۳) اهلیت تملک معیار شخصیت حقوقی در حقوق اسلام
- ۱۴۳..... ۱-۲-۳) دلایل و نحوه اثبات شخصیت حقوقی در اسلام
- ۱۴۵..... ۱-۳-۳) دلایل اثبات شخصیت حقوقی در فقه اسلام
- ۱۴۶..... ۲-۴-۲) شرایط و عوامل ایجاد شخصیت حقوقی
- ۱۴۷..... گفتار دوم: مصادیق شخصیت حقوقی در حقوق اسلام
- ۱۴۸..... ۱-۲-۳) شخصیت حقوقی والی مسلمین
- ۱۴۹..... الف) بررسی مفهوم والی
- ۱۵۰..... ب) دلایل اثبات شخصیت حقوقی والی و زمامدار مسلمین
- ۱۵۱..... ج) بررسی مالکیت والی مسلمین نسبت به خمس
- ۱۵۴..... ۲-۲-۳) شخصیت حقوقی امت
- ۱۵۵..... الف) اصالت و شخصیت مستقل امت
- ۱۵۶..... ب) نمونه‌هایی از مالکیت امت
- ۱۵۷..... بند اول: مالکیت امت نسبت به سرزمین‌های خراجی
- بند دوم: احکام سرزمین‌های خراجی و حدود اختیارات زمامدار مسلمین
- ۱۵۸..... نسبت به آنها
- ۱۵۸..... بند سوم: مالکیت امت نسبت به سرزمین‌های صلح
- ۱۵۹..... ج) نمونه‌های دیگری از مالکیت امت

۲-۳-۲) شخصیت حقوقی جهات عامه ۱۶۰

الف) دلایل اثبات شخصیت حقوقی جهات عمومی ۱۶۰

ب) وصیت به نفع جهات عمومی ۱۶۳

ج) وقف به نفع جهات عمومی ۱۶۴

د) نذور و اقرار به نفع جهات عمومی ۱۶۴

۲-۴-۲) بررسی شخصیت حقوقی مصادیق بارز جهات ۱۶۵

الف) شخصیت حقوقی مؤسسات و مشترکات عمومی ۱۶۵

ب) شخصیت حقوقی بیت المال ۱۶۶

ج) شخصیت حقوقی عناوین عامه ۱۶۸

د) شخصیت حقوقی موقوفه ۱۷۰

۲-۵-۳) شخصیت حقوقی شرکتهای مدنی ۱۷۶

الف) مفهوم شرکت مدنی ۱۷۷

ب) ماهیت شرکت مدنی ۱۷۸

گفتار سوم: تحلیل شرکتهای تجاری به عنوان مصداقی از شخصیت

حقوقی در حقوق موضوعه ۱۸۱

۳-۱-۳) سابقه شرکتهای تجاری در اسلام ۱۸۲

۳-۲-۳) دلایل اثبات پذیرش شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری در فقه

اسلامی ۱۸۲

- الف) عدم رد شارع ۱۸۳
- ب) اصل صحت ۱۸۳
- ج) اجتماع فقهای معاصر بر پذیرش شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری ۱۸۳
- ۳-۳-۳) آغاز حیات شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری ۱۸۵
- الف) تشریفات ثبت شرکت‌های تجاری ۱۹۱
- ب) تشریفات ثبت موسسات غیرتجاری ۱۹۳
- ۳-۴-۳) پایان شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری ۱۹۴
- الف) انحلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها ۱۹۴
- ب) آثار انحلال شرکت‌ها ۱۹۶
- ج) آغاز تصفیه شرکت‌ها ۱۹۶
- نتیجه ۲۰۲
- فهرست منابع و مآخذ ۲۰۶

هر چند گذشت زمان و پیشرفت روزافزون بشر سبب ایجاد مفاهیم جدیدی در عالم واقع گردیده است، لکن مفاهیم بسیاری از گذشته‌های دور همواره و در طول تاریخ وجود داشته‌اند که بشر به واسطه عدم احاطه کامل بر علوم و یا به واسطه اشتغال به دغدغه‌های دیگر از آنها غافل بوده و علیرغم اینکه آن مفاهیم در مقابل چشمانش بوده از شناسایی و درک آنها غافل مانده است. گرچه در طول سالیان، بشوایان علم و ادب و بزرگان طریقت آنها را کشف و به ما شناسانده‌اند، یکی از آن هزاران مفاهیمی که در قالب زمان و مکان در مقابل دیده همگان بوده و متأسفانه اکثر مردم از آن غافل بوده و بسیار کم مورد توجه قرار گرفته واژه «شخصیت حقوق» است.

هر چند در این کشاکش بزرگانی نظیر افلاطون در کتب خود، همچون کتاب جمهور بدان اشاره داشته ولی به شرح و بسط آن نپرداخته‌اند.

آنچه قابل تأمل است این است که موضوع شخص حقیقی از لحاظ حق و تکلیف، آنچنان مورد توجه متقدمین و متأخرین چه در عرب و چه در شرق قرار داشته که سخن‌های بسیار در رابطه با آن به میان رفته است و بحث و جدل‌ها، در مورد شخص حقیقی تا بدان جا بود که در میان غربیان شرق جدیدی از شخص به نام شخص حقوقی پدیدارگشت و سپس از آنجا به شرق تسری یافت و مورد توجه علمای شرق واقع گردید.

مع الوصف بر این مبنا بود که قوانینی خاص در خصوص شخص حقوقی در قوانین متعدد تصویب و مورد استعمال واقع گردید.

بنا بر آنچه گذشت، موضوع شخص حقوقی و احکام آن از جمله مسائلی بود که مدت‌ها ذهن نگارنده را به خود مشغول نموده بود، و این امر تا بدانجا پیش رفت

که اخیراً نگارنده با مطالعه مقاله‌ای به نام «جایگاه شخصیت حقوقی» به قلم جناب آقای دکتر محمد جعفری هرندی متوجه این امر گردید که این موضوع نه تنها از دغدغه‌های ایشان بوده بلکه این امر موجب گردیده که ایشان نیز همچون سایر علما در شرح و بسط این واژه و استخراج سوابق شخصیت حقوقی در منابع فقهی اهتمام ورزند.

نگارنده در این اثنا، از این امر مطلع گردید که این موضوع نه تنها موضوع جدیدی نمی‌باشد بلکه قیل و قال مرتبط به آن تنها در وجه تسمیه آن است، مع الوصف با توجه به این که از یک سو نگارنده علاقه‌ای ویژه به موضوع جایگاه شخصیت حقوقی داشت و از دیگر سو جناب آقای دکتر محمد جعفری هرندی، مقاله‌ای با این عنوان به رشته تحریر در آورده بودند، این امر بارقه‌ای شد تا با کسب اجازه از محضر استاد به نگارش اثر پیش روی در این باب پرداخته شود. حقوق به عنوان جمع کلمه حق، از جمله مفاهیمی است که ارتباط و وابستگی کامل با «شخص» دارد.

شخص طبیعی، آن است که با خلقت آسمان‌ها و زمین، پا به عرصه حیات نهاد و پس از گذشت سال‌ها و قرن‌های متمادی، به تکامل بیشتر و بیشتر رسید. با تکامل انسان و پیدایش نیازهای روزافزون، برای رفع آن نیازها، شخص حقوقی پا به عرصه حیات نهاد. شخص حقوقی، عنوان جمعی افراد دارای منافع مشترک و یا پاره‌ای عوامل تخصیص یافته به اهداف تعیین‌شده‌ای بود که از ضرورت‌های زندگی اجتماعی ناشی شد.

مع الوصف پس از تولد شخص حقوقی به واقع واژه شخص عنوانی شد اعم از شخص حقیقی و شخص حقوقی.

حالیه، همان‌گونه که شخص حقیقی واجد حق و تکلیف بود، شخص حقوقی نیز بالتبع واجد حق و تکلیف گردید.

به این ترتیب در وهله اول نگارنده در پی دست یافتن به زمان آغاز اشخاص حقوقی است و بر آن است که به این موضوع پی برد که آیا حقوق و تکالیف شخص حقوقی همچون حقوق و تکالیف شخص حقیقی است؟ و آیا شخص

حقوقی همچون انسان (شخص حقیقی) دارای صلاحیت است؟ آیا این موضوع دارای ریشه و سابقه فقهی می‌باشد؟ و بسیاری سؤالات دیگر که در هر مبحث مطرح گردیده و به آنها در حد توان پاسخ داده شده است.

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت: مبحث اشخاص یکی از مباحث مهم علم حقوق است و اهمیت آن تا بدان حد است که جلد دوم قانون مدنی ایران تحت عنوان (در اشخاص) بدان تخصیص یافته است. مع‌الوصف مسائل ذیل قابل تصور است:

- آیا شخص در فقه اسلامی مورد قبول قرار گرفته است.

- در صورت قدیم بودن «شخص حقوقی» آیا می‌توان سابقه‌ای برای آن یافت.

- چه مصادیقی را می‌توان به عنوان نمونه‌های بارز «شخص حقوقی» در فقه اسلامی بیان نمود.

- آیا شخص حقوقی صرفاً به «تجمع انسانی برای حفظ هدف خاص» اطلاق می‌شود یا بر پاره‌ای از اموال نیز صادق است.

پیرو این فرضیات سؤالات ذیل متصور است:

پس از پذیرش این امر که در فقه به‌جای واژه شخص از ذمه استفاده شده است، آیا تفاوتی نیز میان آنها موجود است یا خیر؟

آیا مصادیق بارز شخصیت حقوقی در حقوق خصوصی همان حقوق و تکالیفی را دارند که شخص حقوقی عمومی به خود اختصاص داده است؟

با توجه به گستردگی مفاهیم «فقه و حقوق» و نزدیکی این دو علم به یکدیگر و پیشرفت روز افزون هر دو به موازات هم، گاهی این جمله شنیده می‌شد که فقه دیگر نمی‌تواند پاسخگوی مصادیق مستحدثه باشد و باید برای پاسخ به آنها به علوم جدید مراجعه نمود.

این جمله که فقه قدیم است و گاهی برخی مصادیق و نیازهای امروزی و متأخری چون شخص حقوقی را شامل نمی‌شود، دغدغه‌ای بود که نگارنده را می‌آزرد و این امر بدان‌جا پیش رفت که النهایه مسأله‌ای شد تا در این نوشتار با

«بررسی موقعیت شخصیت حقوقی از لحاظ حق و تکلیف در فقه اسلامی» پاسخی برای آن سؤالات پدیدار گردد.

اما شیوه و روش تحقیق در این اثر، روش و تکنیک کتابخانه‌ای با استفاده از منابع و مأخذ فارسی، عربی و انگلیسی با نگرش تحلیلی به مسائل بوده است. در این نوشته علاوه بر این که به منابع معتبر فقهی و حقوقی تکیه شده است. به مقالات حقوقی و رویه قضایی نیز توجه شده و کوشیده شده تا آنجا که ممکن است در نقل اقوال، امانت را رعایت کنم.

طرح کتاب

این کتاب در سه فصل اصلی مورد بررسی قرار گرفته است که به طور اجمال اشاره‌ای بدان می‌شود.

فصل اول به کلیات و مفاهیم اختصاص دارد و در ابتدا به بررسی مفهوم شخصیت و انواع آن پرداخته و در ادامه به اشخاص حقوقی در حقوق عمومی و خصوصی اشاره شده است.

فصل دوم، در مورد ویژگی‌ها و حقوق و تکالیف شخص حقوقی است و به بررسی چگونگی تعلق تکلیف به شخص حقوقی پرداخته و سعی بر آن است به این سؤال که آیا شخص حقوقی می‌تواند متعلق حق و تکالیف واقع شود؟ پاسخ داده شود، و سپس با توجه به این امر که اگر شخص تکلیفی داشته باشد بالتبع دارای حقوقی هم خواهد شد، به طور اجمال حقوق شخص حقوقی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در فصل سوم، به ادله‌ای که در اثبات شخصیت حقوقی موثر است پرداخته شده است، به طور مثال مالکیت برخی از موضوعات غیر انسانی، یکی از ادله‌ای است که بر اثبات شخصیت حقوقی دلالت می‌کند، زیرا مالکیت یکی از دلایل عمده در اثبات شخصیت حقوقی است، هرچند که در فقه از این موضوعات با عنوان شخصیت حقوقی سخن به میان نیامده است، با اینکه فقها اصطلاحاتی مانند

جهات عامه، عناوین عامه، و ... را ذکر کرده‌اند و قرائن و شواهد موجود، حاکی از وجود شخصیت حقوقی است.

امضای شارع نیز یکی از مهمترین ادله اثبات شخصیت حقوقی در فقه است بدین بیان که برخی از موضوعات غیر انسانی که واجد شخصیت حقوقی اند، در زمان شارع وجود داشته‌اند و شارع مقدس نیز آنها را ردع نکرده است و این عدم‌الردع شارع، کاشف از امضای شارع است. در نتیجه، مشروعیت اشخاص حقوقی ثابت می‌شود.

با تأمل در ادله مذکور به‌دست می‌آید که عنوان شخصیت حقوقی نه تنها از عناوین معروف فقهی نمی‌باشد بلکه فقهای امامیه در برخی از مباحث خود به نتایجی رسیده‌اند که با نظریه شخصیت حقوقی مطابقت داشته و گاهی اوقات منطبق است.

سپس بارزترین مصداق شخصیت حقوقی در فقه بیان می‌شود. که مواردی مانند: وقف، دولت، امت، جهات عامه، خمس، زکات و بیت‌المال از این قبیل می‌باشند.